

بررسی رابطه بین شکست عاطفی با صمیمیت و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان

فرید مهدی^۱

ملیحه السادات کاظمی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین شکست عاطفی با صمیمیت و سازگاری زناشویی زنان متأهل بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل دارای تجربه شکست عاطفی که در سال ۱۳۹۵ به مراکز مشاوره شهر اصفهان جهت مشاوره مراجعه نموده اند، بود و ۱۰۰ نفر از این زنان به صورت هدفمند به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه های ضربه عشق راس (۱۹۹۹)، صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳) و سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶) اجرا گردید. داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد بین شکست عاطفی با صمیمیت و سازگاری زناشویی رابطه معنی دار بدست آمد ($p < 0/01$). لذا این نتیجه حاصل شد که ضربه عشق می تواند مانع ایجاد شکل گیری صمیمت پس از ازدواج و کاهش سازگاری زناشویی گردد.

کلید واژه ها: شکست عاطفی، صمیمیت، سازگاری زناشویی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

Farbodmahdi@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

مقدمه و بیان مسئله

عشق^۱ یکی از سازه‌های روانشناختی است که توصیف آن دشوار و از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است (گاوو^۲، ۲۰۰۱). نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان، از کودکی تا پیری است (منطقی، ۲۰۱۱). یکی از شایع‌ترین و عمیق‌ترین تجربه‌های فقدان و سوگ در ناکامی ناشی از فروپاشی روابط عاشقانه تجربه می‌شود (هاروی و میلر^۳، ۲۰۰۰ و دهقانی، ۲۰۱۱). پارکیس (به نقل از دهقانی، ۲۰۱۱) در بررسی‌های خود نشان داد از دست دادن موضوع عشق در دوره جوانی یکی از بزرگترین ضربه‌هایی است که می‌تواند برای افراد اتفاق بیفتد. در پژوهش دیگری (اکبری، ۲۰۱۱). وقتی از افراد خواسته شد حوادث ناسازگار و ناگوار زندگی خود را یادآوری کنند، در بیشتر موارد، یکی از شایع‌ترین پاسخ‌ها، پریشانی رابطه یا اتمام رابطه عاشقانه در حال ظهور بود. بنابراین به نظر می‌رسد روابط عاشقانه و شکست‌های عشقی نقش مهمی در بهداشت روان افراد، به ویژه جوانان، ایفا می‌کنند (فنی و نولر^۴، ۱۹۹۶).

در طول چند دهه گذشته، عشق رمانتیک به موضوع مورد علاقه روان‌شناسان تبدیل شده و نظریه‌های گوناگونی در مورد تحول این روابط ایجاد شده است (تات^۵، ۲۰۰۳). عشق یکی از حیرت‌انگیزترین هیجان‌هایی است که انسان می‌تواند تجربه کند، اما در عین حال، می‌تواند یکی از دردناک‌ترین هیجان‌هایی باشد که تجربه می‌شود (روسه^۶، ۱۹۹۹). پارکیس (پارکز^۷، ۲۰۰۶) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که از دست دادن موضوع عشق در دوره جوانی یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی است که می‌تواند برای افراد اتفاق بیفتد. راس (روسه، ۱۹۹۹) برای اولین بار نشانگان ضربه عشق را معرفی نمود که مجموعه علائم و نشانه‌های شدیدی است که پس از فروپاشی یک رابطه رمانتیک بروز می‌کند، عملکرد فرد را در زمینه‌های متعدد مختل می‌کند، واکنش‌های غیر انطباقی به دنبال دارد و مدت زیادی باقی می‌ماند. صرف نظر از این که چه کسی رابطه را قطع می‌کند، انحلال یک رابطه، تجربه ناخوشایندی است. (اکبری، ۲۰۱۱، منطقی، ۲۰۱۱).

۱. love

۲. Gao

۳. Harvey & Miller

۴. Feeney, Noller

۵. Tate

۶. Rosse

۷. Parkes

یکی از عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در شکست عاطفی صمیمیت بین زوجین است. صمیمیت نزدیکی، تشابه و یک رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان منشأ تشابه و نزدیکی به کار می رود. صمیمیت یک فرایند تعاملی است که شامل تعدادی از ابعاد مرتبط به هم می باشد محور این فرآیند، شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر و قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصر به فرد دیگر از دنیاست صمیمیت یک نیاز اساسی در انسان است نه اینکه فقط یک تمایل یا آرزو باشد (باگاروزی، ۱۳۸۷).

از نظر باگاروزی (۲۰۰۱)، صمیمیت یک فرایند تعاملی-چندبعدی و شامل ۹ بعد است: ۱- صمیمیت هیجانی؛ ۲- صمیمیت روان شناختی؛ ۳- صمیمیت فکری؛ ۴- صمیمیت جنسی؛ ۵- صمیمیت جسمانی؛ ۶- صمیمیت معنوی؛ ۷- صمیمیت زیبایی شناختی؛ ۸- صمیمیت اجتماعی-تفریحی و ۹- صمیمیت در گذراندن وقت (رضازاده و پورنقاش، ۱۳۸۶).

صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می شود. این گونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را می توان به عنوان توانایی شناخت خود در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است. مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک گذاری ارزش ها و ایده ها، فعالیت های مشترک، روابط جنسی شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن است. فردی که میزان صمیمیت بالاتری دارد می تواند خود را به صورت مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به همسرش ابراز کند. بنابراین زوج های با صمیمیت بالاتر قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات رابطه خود دارند و سازگاری زناشویی بالاتری را تجربه می کنند (پاتریک^۱ و همکاران، ۲۰۱۳).

پژوهشگران به عوامل متعددی که در سازگاری زناشویی تأثیر دارند اشاره می کنند. از جمله عشق و علاقه، مهارت های ارتباطی، تعهد به زندگی، خصوصیات شخصی و خانوادگی همسر و عدم پایبندی به اصول اخلاقی. اگر در هر یک از عوامل سازگاری زناشویی مشکل جدی به وجود آید، ناسازگاری اجتناب ناپذیر خواهد بود. برای نمونه وجود عصبانیت، پرخاشگری، ناپایداری در ابراز محبت، اختلاف در سلیق و علایق همگی از عوامل ناسازگاری هستند (گودرزی، ۱۳۸۰).

از طرفی همراه با شکست عشقی افراد پیش از ازدواج همواره اندوه، افسردگی، خشم و اضطراب در فرد ظاهر می شود و سلامت روان و روابط بین فردی او را با خطر مواجه می کند. به همین علت حتی می

۱. Patrick

توان شکست عاطفی را به عنوان اختلالات سازگاری مفهوم سازی کرد (اوتمر^۱ و اوتمر، ۱۳۸۷). پژوهشگران پیوند میان ویژگی های روانی افراد و میزان ناسازگاری در روابط زناشویی را به این علت می دانند که این ویژگی ها به سان یک عامل تنش زا در زندگی وارد عمل می شود و از طرفی هر یک از ویژگی های افراد، الگوی خاص رفتاری و عملکردی را به آنان تحمیل می کند (اسمیت و پترسون^۲، ۲۰۰۸؛ آویسی^۳ و همکاران، ۲۰۰۹).

مهم ترین تأیید رابطه بین دو متغیر شکست عاطفی و ناسازگاری زناشویی مدل آسیب پذیری استرس انطباق است که توسط کارنیو و بردبری^۴ ارائه شده و بیان می کند که سازگاری یا عدم سازگاری زوجین به تجربه هیجانات منفی در طول تمامی تعامل ها، حوادث و شرایط استرس زا (برای نمونه شکست عاطفی) و ویژگی های پایدار زوجین (شخصیت و...) مرتبط است. همچنین ارتباط بین تجربه هیجانی قبلی و عملکرد ارتباطی افراد در زندگی زناشویی در پژوهش ها نشان داده شده است (گونزاگا^۵ و همکاران، ۲۰۰۷).

تا به امروز بیشتر پژوهش ها بر نقش متغیرها در ایجاد عشق تأکید کرده اند ولی به پیامدهای بعد از آن و تأثیر این مسئله در سلامت روان (افسردگی و اضطراب) و مسائل زناشویی (صمیمیت زناشویی) در زنان متأهل توجه چندانی نشده است. لذا در این پژوهش به بررسی رابطه بین شکست عاطفی با سلامت روان و صمیمیت زناشویی زنان متأهل پرداخته شد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پس رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل دارای تجربه شکست عاطفی که در سال ۱۳۹۵ به مراکز مشاوره شهر اصفهان جهت مشاوره مراجعه نموده اند بود؛ نمونه مورد نظر در این پژوهش ۱۰۰ نفر هستند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. بدین گونه که جهت انتخاب نمونه در ابتدا از طریق همکاری مراکز مشاوره سطح اصفهان، زنان متأهل دارای شکست عاطفی و علاقه مند جهت شرکت در پژوهش معرفی گردیدند و پس از جلب اعتماد افراد و توضیح در مورد محرمانه بودن اطلاعاتشان، از افراد خواسته شد به پرسشنامه ها پاسخ دهند سپس پرسشنامه های ضربه عشق، صمیمیت واکر و تامپسون و سازگاری زناشویی اسپاینر اجرا گردید.

۱. Othmer

۲. Smith & Peterson

۳. Avci,

۴. Karney & Bradbury

۵. Gonzaga

پرسشنامه ضربه عشق (LTI^۱): که پرسشنامه نشانگان شکست عاطفی نیز نامیده می‌شود، مقیاسی است که راس^۲ در سال ۱۹۹۹ برای سنجش شدت ضربه عشق تهیه کرده است. این پرسشنامه از ده ماده تشکیل شده است که هر ماده چهار گزینه‌ای است و فرد لازم است تا بر اساس تجربه ضربه عشقی خود مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کند. این پرسشنامه یک ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری فراهم می‌کند. ضریب همسانی درونی این پرسشنامه ۰/۸۱ و اعتبار آن در ایران ۰/۸۳ به دست آمده است (دهقانی، ۱۳۸۹). ضریب آلفا در این پژوهش برابر با ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه صمیمیت واکر و تامپسون^۳: مقیاس صمیمیت یک ابزار ۱۷ سؤالی است که برای سنجیدن مهر و صمیمیت تدوین شده است که در سال ۱۹۸۳ ساخته شده است. این مقیاس جزیبی از یک ابزار بزرگ تر است که چندین بعد صمیمیت را در بر می‌گیرد، اما توسط تهیه کنندگان آن به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است. نمره آزمودنی‌ها در این مقیاس از طریق جمع نمرات سؤالات تقسیم بر ۱۷ حاصل می‌شود دامنه نمرات بین ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر نشان دهنده صمیمیت بیشتر است. این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی بسیار عالی برخوردار است (فرمانی و همکاران، ۱۳۹۱). ضریب آلفا در این پژوهش برابر با ۰/۸۱ بدست آمد.

مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر^۴: این مقیاس دارای ۳۲ سوال است و نمره گذاری آن به شیوه لیکرت انجام می‌شود. از مجموع ابعاد در این پرسشنامه یک نمره کلی به دست می‌آید که سطح کلی سازگاری زناشویی را منعکس می‌کند. پرسشنامه‌ای که در این پژوهش استفاده شده، از حسن شاهی (۱۳۷۸) گرفته شده است. شواهد مربوط به روایی و پایایی این پرسشنامه در حد قابل توجهی حاکی از مناسب بودن این پرسشنامه برای سنجش سازگاری زناشویی است. اسپانیر آلفای کرونباخ ۰/۹۶ را برای این پرسشنامه گزارش نموده است. حسن شاهی به نقل از برخی محققان خارج از کشور آلفای کرونباخ ۰/۹۱ تا ۰/۹۶ و در مطالعه خود بر پایه مطالعه مقدماتی انجام شده ضریب تنصیف ۰/۹۶ و آلفای کرونباخ ۰/۹۲ را برای آن گزارش نموده است. یک نمونه سوال این پرسشنامه به این شرح است: چند وقت یک بار شما یا همسرتان بعد از مشاجره (دعوا) خانه را ترک می‌کنید (حسن شاهی، ۱۳۷۸).

یافته های پژوهش

۱. Love Trauma Inventory

۲. Ross

۳. Alexis, Walker & Linda Thompson

۴. Spiner Marital Adjustment Scale

میانگین، انحراف استاندارد، حداقل، حداکثر مولفه های سازگاری زناشویی، صمیمیت و شکست عاطفی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول (۱) میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر مولفه های سازگاری زناشویی، صمیمیت و شکست عاطفی

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	
مولفه های سازگاری زناشویی	رضایت زناشویی	۳/۶۴	۰/۶۷	۲/۳۰	۴/۹
	همبستگی دونفری	۳/۳۵	۰/۹۶	۱/۴۰	۵
	توافق دو نفری	۳/۵۱	۰/۹۹	۱/۰۸	۴/۸۳
	ابراز محبت	۲/۱۹	۰/۸	۰	۳
	سازگاری زناشویی	۳/۳۶	۰/۷۹	۱/۷۵	۴/۴۷
صمیمیت	۹۲/۳۹	۳۳/۵۴	۳۲	۱۵۲	
شکست عاطفی (ضربه عشق)	۱۲/۷۸	۸/۰۷	۴/۳۶	۲۹/۳۶	

میانگین رضایت زناشویی برابر با ۳/۶۴ و انحراف استاندارد آن ۰/۶۷، میانگین همبستگی دونفری ۳/۳۵ و انحراف استاندارد آن ۰/۹۶، میانگین توافق دو نفری ۳/۵۱ و انحراف استاندارد آن ۰/۹۹، میانگین ابراز محبت ۲/۱۹ و انحراف استاندارد آن ۰/۸، میانگین سازگاری زناشویی ۳/۳۶ و انحراف استاندارد آن ۰/۷۹ است. میانگین نمرات صمیمیت در آزمودنی ها برابر با ۹۲/۳۹ و میانگین نمرات شکست عاطفی برابر با ۱۲/۷۸ بود.

جهت بررسی رابطه چندگانه بین مولفه های سازگاری زناشویی، صمیمیت و شکست عاطفی، از تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

فرضیه پژوهش: بین سازگاری زناشویی، صمیمیت و شکست عاطفی رابطه وجود دارد.

جدول (۳) تحلیل رگرسیون (همبستگی چند متغیری)

معنی داری	خطای استاندارد برآورد	مجذور همبستگی	همبستگی چندگانه
***/۰۰۱	۶/۴۹۲	۰/۳۶۶	۰/۶۰۵

همبستگی بین مولفه شکست عاطفی زنان متأهل از یک طرف و سازگاری زناشویی و صمیمیت بین زوجین، از طرف دیگر در زنان متأهل برابر با $R=۰/۶۰۵$ محاسبه گردیده است. این همبستگی از نظر آماری معنی دار است ($p=0/001$).

نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی مقیاس شکست عاطفی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴) ضرایب خام و استاندارد در تحلیل رگرسیون

معنی داری	t	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		خطای استاندارد	B	
		خطای استاندارد	انحراف معیار	
***/۰۰۱	۱۰/۰۴۸	-	۳/۲۶۱	ثابت
***/۰۰۵	-۲/۸۶۳	-۰/۵۳۴	۰/۰۵۹	سازگاری زناشویی
***/۰۰۶	-۰/۴۱۵	-۰/۷۷۰	۰/۰۴۵	صمیمیت

در مجموع طبق اطلاعات جدول شماره ۶ و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می شود که به ترتیب عامل صمیمیت با مقدار $\beta=-۰/۷۷۰$ و عامل سازگاری زناشویی با مقدار $\beta=-۰/۵۳۴$ بیشترین تأثیر معنادار را در تبیین تغییرات و پیش بینی شکست عاطفی داشته اند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل رگرسیون، مبنی بر وجود رابطه بین شکست عاطفی با سازگاری زناشویی زنان متأهل نشان داد که بین مولفه سازگاری زناشویی با شکست عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به منفی بودن جهت همبستگی می توان گفت با افزایش شکست عاطفی، سازگاری زناشویی زنان متأهل کاهش می یابد. این یافته تا حدی با نتایج پژوهش گلپرور و همکاران (۱۳۹۰) همخوان است. در این پژوهش به ویژگی های روانی شخصیتی زوج های ناسازگار و سازگاری پرداخته شده است. در مجموع می توان بیان کرد که انسان وقتی با وضعی اجتناب ناپذیر مواجه می گردد و یا با سرنوشتی تغییرناپذیر روبرو است، مثلاً در یک رابطه عاطفی دچار شکست می شود، ممکن است احساسات ناخوشایندی از جمله افسردگی، ناامیدی، پوچی و تنهایی کند. احساس تنهایی یک تجربه ناخوشایند عاطفی است و به عنوان یک وضعیت دردناک تجربه شده، تعریف شده است. در واقع، احساس تنهایی نیازمند این برداشت است که ارتباطات اجتماعی فرد مطابق انتظارات نیستند همچنین، این احساس می تواند متأثر از الگوهای ارتباطی و ساختار انعطاف ناپذیر خانواده و مرزهای مبهم بین خرده منظومه های آن باشد. در وضعیت توصیف شده صمیمیت، عطوفت، آمیزش، تبادل و پشتیبانی اعضا از یکدیگر پایین بوده و در مواقع تنش زا، فرد خود را تنها حس کرده و استرس و فشار مضاعفی را تحمل می کند و حمایتی از سوی خانواده دریافت نمی شود. این شرایط روانی اگر به صورت درستی ریکآوری نشده باشد منجر به تعارضات در زندگی فرد و در نهایت کاهش سازگاری زناشویی می گردد. نتایج تحلیل رگرسیون، مبنی بر وجود رابطه بین شکست عاطفی با صمیمیت زنان متأهل نشان داد که بین مولفه صمیمیت زنان با شکست عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد. این یافته تا حدودی با نتایج پژوهش های اعتمادی و همکاران (۱۳۸۵)، گونزاگا^۱ (۲۰۰۷)، پاتریک و همکاران (۲۰۱۳) همخوان است. در تبیین یافته های فوق می توان بیان کرد که از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان ها و برقرار بودن عشق به هم نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. عوامل مختلفی در صمیمیت زوج ها دخیل است که خود به اهمیت موضوع در زندگی می افزاید. ارتباط صمیمانه با شاخص های اعتماد متقابل، محبت، ارتباط باز، مقبولیت، عذرخواهی، بخشش و مراقبت، زیربنای سلامت جنسی و غیرجنسی در صمیمیت زناشویی است. بنابراین یک ازدواج شاد و احساساتی و خیال پردازانه (رمانتیک) ازدواجی است که در آن همسران هم در بعد جنسی و هم در بعد غیرجنسی رشد پیدا کنند. صمیمیت در روابط زناشویی، به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم سازی شده است که جنبه های عاطفی - هیجانی و اجتماعی نیرومندی دارد و بر پایه پذیرش، رضایت خاطر و عشق شکل می گیرد. در حقیقت، صمیمیت، توانایی برقراری ارتباط با دیگری و بیان عواطف تعریف می کنند و آن را حق مسلم و از حالت های طبیعی انسان می دانند فردی که میزان صمیمیت بالاتری را در روابط تجربه می

۱. Gonzaga

کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز نماید. تجارب بالینی نشان داده اند که در جامعه معاصر، زوج ها مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضای انتظارات و نیازهای یکدیگر تجربه می کنند. این مشکل در زنان درگیر عاطفی با عشق نخستین خود، تبلور بیشتری می یابد زیرا این گونه زنان با دید آرمان گرایانه خود نسبت به عشق نخستین، مابقی روابط را با ارزش کمتری ارزیابی می کنند و دایما در حال مقایسه رفتار های همسر با عشق سابق خود هستند که این موارد منجر به کاهش صمیمیت بین زوجین می گردد.

با توجه به این که کنترل دقیقی در مورد همتا کردن آزمودنی ها بر اساس ویژگی های دموگرافیک خانوادگی صورت نگرفته است، احتمال دارد نتایج پژوهش تحت تاثیر این متغیرها قرار گیرد. لذا ممکن است نتایج پژوهش را تا حدودی با دشواری و محدودیت مواجه سازد. از این رو پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده این ویژگی ها مورد بررسی قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اعتمادی، ع، نوایی نژاد، ش، احمدی، س. ا، فرزاد، و. ا. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر زوج درمانی به شیوه ایماگوترابی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. تازه ها و پژوهش های مشاوره، ۵ (۱۹): ۹-۲۲.
- اکبری ا. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی درمان تحلیل عاملی با درمان شناختی- رفتاری در بهبود علایم شکست عشقی در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.
- اوتمر، ای، اوتمر، اس.سی. (۱۳۸۷). مصاحبه بالینی بر مبنای DSM.IV. چاپ چهارم، ترجمه آرومندی ح، بهشتی م. تهران: نسل فردا.
- باگاروزی، د. (۱۳۸۷). زوج درمانی. چاپ سوم، ترجمه اندوز، ز و حمیدپور، ح. تهران: انتشارات آسیم.
- حسن شاهی، م. (۱۳۷۸). بررسی رابطه کانون کنترل یاسازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل آموزش و پرورش. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- دهقانی، م. (۱۳۸۹). اثربخشی روان درمانی کوتاه مدت تعدیل کننده اضطراب بر نشانگان ضربه عشق. پایان نامه دوره دکتری، روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- رضازاده، م.، پورنقاش تهرانی، س. (۱۳۸۶). بهبود بخشی صمیمیت در ازدواج. چاپ اول، تهران: دانشگاه الزهرا.
- فرمانی، ش، رسولی، م.، و قائدنیای جهرمی، ع. (۱۳۹۱). رابطه بین صمیمیت زناشویی، الگوهای ارتباط زناشویی و همدم طلبی-دوری گزینی کارکنان متأهل دانشگاه خوارزمی. مشاوره و روان درمانی خانواده، سال ۳: ۴۴۸-۴۷۲.
- گل پرور، م.، طاهری زاده، ژ، اسماعیلی، ر. (۱۳۹۰). ویژگی های روانی شخصیتی زوج های ناسازگار و سازگاری زناشویی آن ها در ایران و تورنتو. فصلنامه خانواده پژوهی، ۷ (۲۶): ۲۲۳-۲۳۹.
- گودرزی، غ. (۱۳۸۰). تعیین علل طلاق و بررسی اثرات طلاق بر طول مدت ازدواج در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- منطقی، م. (۱۳۹۰). عشق شورانگیز. چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت.
- Avci, I. A., Okanlı, A., Karabulutlu., & Bilgili, N. (2009). Women's marital adjustment and hopelessness levels after mastectomy. *European Journal of Oncology Nursing*, 13: 299-303.

- Dehghani, M., Atef-Vahid, M. K., Gharraee, B. (2011). Efficacy of short-term anxiety regulating psychotherapy on love trauma syndrome. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Science*, 5(2): 18-25.
- Feeney, J ,A., Noller, P. (1996). *Adult attachment*. First edition, New York: Sage.
- Gao, G. (2001). Intimacy, passion and commitment in Chinese and US American: Aromantic relationships. *Int J Relations*, 25:329-42.
- Gonzaga ,G.C., Campos, B., Bradbury, T,h. (2007). Similarity, convergence, and relationship satisfaction in dating and married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*,93(1): 34-48.
- Harvey, J,H, Miller ,E,D. (2000). *Loss and trauma: General and close relationship perspectives*. Second edition, Philadelphia: Brunner/ Mazel.
- Parkes, CM. (2006). *Love and loss: the roots of grief and its complications*. First ed, , London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group, 10-430.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G. & Follerud, T.R. (2013). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15: 359- 367.
- Rosse, R.B. (1999). *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken*. Second edition, Perseus Publishing a Member of the Perseus Books Group.
- Smith, D. A., & Peterson, K. M. (2008). Over perception of spousal criticism in dysphoria and marital discord. *Behavior Therapy*, 39: 300-312.
- Tate, LD. (2003). *Personality trait associated with romantic relationship*. Psychological dissertation, Santlouis University: 92-111.